

تبیین حکمرانی امنیتی ولایی با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری

محمود عسگری^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

رسیدن به امنیت، مستلزم بهره‌گیری از آموزه‌هایی است که از اتقان و صلابت لازم و کافی برخوردار باشند. جوامع گوناگون متناسب با شرایط و زمینه‌های ساختاری و بافتاری خود باید از منابعی اصیل در مسیر رسیدن به امنیت بهره‌گیری کنند. در ایران اسلامی، وجود برخی مشکلات و اشکالات کارکردی در حوزه مدیریت امور امنیتی و بروز برخی اغتشاشات، بیانگر آن است که فرایندها و سازوکارهای موجود، نیازمند بهبود و تحول است. این مقاله با هدف تبیین حکمرانی امنیتی ولایی، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که حکمرانی امنیتی ولایی با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری چگونه قابل تبیین است؟ در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری که کلام ایشان، تفسیری از متون، نصوص و گزاره‌های اسلامی است، حکمرانی امنیتی ولایی تبیین گردد. از این‌رو، روش تحقیق، توصیفی، نوع تحقیق بر اساس هدف، توسعه‌ای و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که حکمرانی امنیتی ولایی دارای کارکردهای تنظیمی، ایجابی و سلبی مبتنی بر ارکان، اصول و رویه‌هایی مشخص است. برآیند حکمرانی امنیتی ولایی، میدان‌داری اصول و احکام و گزاره‌های اسلامی، مردم و هدایت و نظارت دولت، حرکت به‌سوی رضایت‌مندی و جهشی در جهت نیل به «دولت اسلامی» است.

واژگان کلیدی: حکمرانی امنیتی، حکمرانی امنیتی ولایی، ج.ا.ایران، مقام معظم رهبری.

۱. مقدمه

حرکت ضعیف در مسیر اسلامی‌سازی حکمرانی امنیتی در کشور، سبب‌ساز مشکلاتی همچون شکاف دولت و ملت، افزایش هزینه‌های تأمین و تداوم امنیت، بروز و ظهور فزاینده ناآرامی‌های اجتماعی (مانند دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و پاییز ۱۴۰۱) خواهد بود که برآیندی جز کاهش ضریب امنیت ملی و توسعه و تعمیق دامنه آسیب‌ها و تهدیدات و جایگزینی خشونت‌ورزی به‌جای سیاست‌ورزی به‌همراه نخواهد داشت. دغدغه نگارنده آن است که چگونه می‌توان بیشتر از مبانی و موازین عملی شریعت در راستای تقویت حکمرانی امنیتی بهره گرفت؟ به نظر نویسنده، با احصا اجزای حکمرانی امنیتی ولایی از بیانات مقام معظم رهبری، به‌عنوان تفسیری از احکام و دستورات شارع مقدس، می‌توان به تحقق این امر کمک نمود. باوجود چنین اهمیتی، متأسفانه پژوهشی علمی در جهت شناخت حکمرانی امنیتی ولایی مبتنی بر بیانات رهبر فرزانه انقلاب انجام نشده است که مسئله تحقیق نیز این مطالب است.

در خصوص اهمیت انجام تحقیق باید گفت، پرداختن به این موضوع در تسری دادن مبانی و سازوکارهای امنیت از «دولت» به‌سوی «جامعه» بسیار حائز اهمیت است. با توجه به پیچیده‌تر و ترکیبی شدن تهدیدات امنیتی، حکمرانی امنیتی ولایی، موجد ظرفیت‌های متعدد و مناسبی برای مدیریت آنهاست. اندیشه‌ورزی و تألیف در حوزه حکمرانی امنیتی ولایی، می‌تواند بخشی از خلأ موجود در ادبیات راهبردی کشور را مرتفع کند. در مورد ضرورت پرداختن به این موضوع نیز می‌توان اشاره کرد که بدون اصلاح و بهبود حکمرانی امنیتی موجود، این احتمال وجود دارد تنش‌های اجتماعی آینده کشور از کنترل خارج شده و به خشونت تبدیل شوند. پرداختن به موضوع حکمرانی امنیتی ولایی موجب غافلگیری در برابر تهدیدات می‌شود، همچنین بی‌توجهی به حکمرانی امنیتی ولایی باعث غفلت از ضرورت تغییر در سازوکارها و روش‌های تأمین امنیت با توجه به تغییر محیط و بازیگران است. به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع، سبب افزایش قابل توجه ناکامی‌ها در تولید، حفظ و بازتولید امنیت و افزایش انکارناپذیر هزینه‌های ایجاد امنیت خواهد شد. این مقاله در پی پاسخ به این

پرسش است که حکمرانی امنیتی ولایی با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری چگونه قابل تبیین است؟

۲. پیشینه‌شناسی پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت بررسی‌های انجام شده در بین مراکز علمی و پژوهشی و نیز مقالات و کتاب‌های منتشره و جستجو در وبگاه‌های معتبر نشان می‌دهد که تاکنون در مورد حکمرانی امنیتی ولایی (حداقل در بین آثار در دسترس)، کتاب یا مقاله‌ای علمی چاپ و منتشر نشده است، ولی پژوهش‌های مرتبطی انجام شده که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

در مقاله «نقش مؤلفه‌های قدرت ملی در تحقق متعالی حکمرانی امنیت ملی ج.ا. ایران» به این موضوع اشاره شده است که تهدید و امنیت، مفاهیمی ابهام‌آمیز و انتزاعی هستند. هدف اصلی پژوهش، اولویت‌بندی و تعیین نقش مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی برای تحقق حکمرانی امنیت ملی ج.ا. ایران است. این پژوهش کاربردی و به‌روش زمینه‌ای-موردی انجام گردیده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است، روش گردآوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه‌ای بوده و جامعه نمونه ۷۳ نفر بوده است. ترتیب اولویت حلقه‌های امنیتی: نظامی-سیاسی-فرهنگی و اقتصادی است اما حلقه‌های تهدیداتی: اقتصادی-فرهنگی-سیاسی و نظامی است؛ بنابراین حلقه‌های امنیتی و تهدیداتی عکس هم هستند. ایران هر سه طیف تهدید: منفی-صفر و مثبت را دارد. مؤلفه‌های قدرت ملی دارای ۶ عامل اقتصادی، ۸ عامل سیاسی، ۱۱ عامل نظامی و ۵ عامل فرهنگی است. تعداد ۵ عامل دارای دو نقش هستند، در مجموع مؤلفه‌های قدرت ملی دارای ۳۰ عامل و ۳۵ نقش: «۲۲ نقش قوت، ۴ نقش ضعف، ۳ نقش فرصت و ۶ نقش تهدید» می‌باشند. طبق نقش‌های بالا، ج.ا. ایران در موقعیت راهبردی «تهاجمی» قرار دارد، بر اساس نظریه «موازنه تهدید»، حکمرانی امنیت ملی در ایران باید از دکتترین «تدافعی تهدیدمحور و کنشی» به دکتترین «تهاجمی امنیت‌محور و فراکنشی» تبدیل گردد که برگرفته از نظریه «موازنه قوا» است (کلانتری و خزلی، ۱۳۹۹: ۷۹-۵۳).

مقاله «حکمرانی چیست؟» به وضعیت ضعیف معیارهای تجربی کیفیت دولت‌ها، یعنی قوای مجریه و بوروکراسی‌های آنها اشاره می‌کند. بسیاری از مشکلات، دارای ماهیت مفهومی هستند؛ زیرا توافق بسیار کمی در مورد اینکه چه چیزی دولت با کیفیت بالا را تشکیل می‌دهد، وجود

دارد. نویسنده این مقاله چهار رویکرد را پیشنهاد می‌کند که مهم‌ترین آنها، رویه‌ها هستند. به گمان او، کلاسیک‌ترین تلاش برای تعریف حکمرانی بر حسب رویه‌ها، توصیف معروف ماکس وبر از دیوان‌سالاری نوین در اقتصاد و جامعه بود. این مقاله توضیح می‌دهد که چرا به کشورهای کم‌درآمد توصیه می‌شود خودمختاری دیوان‌سالارانه را کاهش دهند، درحالی‌که کشورهای با درآمد بالا به دنبال افزایش آن هستند (فوکویاما، ۲۰۱۳: ۲۲-۱).

مقاله «شش کارکرد حکمرانی» به این موضوع پرداخته است که بسیاری از مردم مدیریت را با حکمرانی اشتباه می‌گیرند. برخی پنج کارکرد «پیش‌بینی و برنامه‌ریزی»، «سازماندهی»، «دستور دادن یا هدایت کردن»، «هماهنگی» و «کنترل» را برای مدیریت تعریف کرده‌اند. با توجه به اینکه این کارکردهای مدیریت به‌طور کلی پذیرفته شده است ولی نویسنده مدعی است که آنها نمی‌توانند کارکردهای حکمرانی نیز باشند. مقاله به این نکته اشاره می‌نماید که «مدیریت خوب» و «حکمرانی» مترادف نیستند. حکمرانی با یکپارچه‌سازی، هماهنگی و توازن عملکردهای زیر به دست می‌آید:

- تعیین اهداف؛
- تعیین اصول اخلاقی؛
- ایجاد فرهنگ سازمانی؛
- تضمین مسئولیت‌پذیری توسط مدیریت؛
- طراحی و اجرای چارچوب حکمرانی.

نویسنده در پایان این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که نظام حکمرانی و نظام مدیریت با یکدیگر همزیستی دارند، اما درحالی‌که به یکدیگر وابسته هستند، این دو نظام عملکردهای بسیار متفاوتی را انجام می‌دهند (بورنه^۲، ۲۰۱۴: ۱-۶).

کتاب «بنیادهای حکمرانی اسلامی» برپایه این ایده شکل گرفته است که فلسفه یک چیز است، کاربرد آن امر دیگری است، ازاین‌رو کاربست اصول اسلامی در جامعه، نیازمند تبیین این اصول

است. این کتاب یک متن دینی نیست، بلکه به اصول حکمرانی خوب پرداخته است. از نظر نویسنده، مهم‌ترین ویژگی حکمرانی خوب، جنبه نولیبرالیستی آن است و با وجود تأکید آن بر جنبه‌های مثبت پاسخگویی، شفافیت، حکومت قانون، دیوان‌سالاری مؤثر، مشارکت مردم، بازار کارآمد و جامعه مدنی، ولی بر نولیبرالیسم غربی تأکید داشت؛ به همین دلیل محققان بسیار زیادی در دنیا شروع به انتقاد و شالوده‌شکنی از آن مفهوم کردند و جایگزین‌های مختلف مطرح نمودند. آنها به این نتیجه رسیدند که باید در اصلاحات پیشنهادی خودشان، فرهنگ و بافتارهای محلی را در نظر بگیرند. نویسنده بین عناصر حکمرانی خوب و اصول اسلامی مشابهت‌هایی یافته و اصول نه‌گانه «توحید، امانه، عدالت، احسان، اخوت، اصلاح، اختیار، ربوبیّه، مقاصد الشریعه» با عنوان ارزش‌های اسلامی با قابلیت ورود در مدل حکمرانی خوب، احصاء نموده است. نویسنده اذعان نموده رویکرد او، فقهی- احکامی نیست، بلکه ناظر به ارزش‌های اسلامی است. اصول مورد اشاره نویسنده بر پایه اعتقادات اهل سنت استخراج شده ولی چون بر مبنای ارزش‌های اسلامی است، دارای مشابهت‌های فراوان با اعتقادات شیعی است. به باور نویسنده برای کاربردی کردن این اصول بایستی به چهار موضوع مهم «استفاده از افراد کارآمد (سیاسی- اقتصادی و...)»، «توجه به جامعه خیرخواه/ خیرین»، «توجه به نهادهای کارآمد» و «دولت حداقلی» توجه شود (مالیک^۱، ۲۰۱۷).

کتاب «کارایی سیاستی و ظرفیت‌های حکمرانی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای اتحادیه اروپا» مدعی است حکمرانی خوب و توسعه پایدار با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. نویسندگان به بررسی این مطلب می‌پردازند که دولت‌ها چگونه توسعه پایدار را هدف قرار می‌دهند. آنها معتقدند امروزه چالش‌های متعددی نظیر جهانی‌سازی اقتصادی، نابرابری اجتماعی، کمیابی منابع و تغییرات جمعیت‌شناختی در بخش‌های سیاستی رخنه کرده و فراتر از مرزهای ملی گسترش یافته‌اند و در نتیجه سیاستگذاران ناگزیرند تا به سرعت شرایط خود را وفق دهند و از الگوهای سایر کشورها بیاموزند. دولت‌ها باید پیامدهای بلندمدت را مدنظر داشته باشند. چهارده شاخص حکمرانی پایدار ارائه شده در این اثر، به این معناست که دولت‌ها باید از سلامت نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع خود در بلندمدت

حمایت کنند. با این حال، دولت‌ها به‌ندرت چنین رویکردی را اتخاذ می‌کنند و بیشتر دولت‌ها به پیامدهای اقدامات خود در کوتاه‌مدت توجه دارند. نویسندگان بر این باورند که با حکمرانی پایدار می‌توان به تغییرات یادشده پاسخ مناسب داد. حکمرانی پایدار موردنظر آنها مبتنی بر سه رکن «کارایی سیاستی»، «دموکراسی» و «حکمرانی» است، آنها همچنین بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که این قابلیت هدایت به شدت به توانایی ترکیب پاسخ‌گویی کوتاه‌مدت با تصمیم بلندمدت در سیاستگذاری بستگی دارد (شاراد-تیشلر و ازاهاف^۱، ۲۰۱۴).

در مقام جمع‌بندی باید گفت بررسی منابع بالا نشان می‌دهد که مقالات موردنظر تنها به تبیین موضوع حکمرانی یا حکمرانی امنیت ملی پرداخته‌اند و توجهی به حکمرانی امنیتی ولایی (منبعث از بیانات مقام معظم رهبری) نداشته‌اند؛ بنابراین مطلب حاضر به لحاظ موضوعی، دارای نوآوری است. نکته مهم دیگر آنکه از جمع‌بندی منابع مورد بررسی، این موضوع قابل استحصال است که برای تبیین حکمرانی به‌طور عام و حکمرانی امنیتی ولایی به‌طور خاص، می‌توان از مفاهیمی همچون «ارکان»، «اصول»، «رویه‌ها» و «کارکردها» بهره گرفت.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. حکمرانی

حکمرانی، نوعی فناوری نرم زمینه‌مند است که واقعیات را درک نموده و درصدد انطباق یافتن با آن است. حکمرانی، فرایندی معطوف به سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرا بوده و ناظر بر توانایی دولت در تنظیم‌گری و مدیریت عمومی کارآمد، مؤثر و پاسخگو به تمامی بازیگران در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهاست؛ به‌گونه‌ای که در تعاملی شبکه‌گونه، پذیرای مشارکت بازیگران غیردولتی و شهروندان باشد (عسگری، ۱۴۰۱: ۱۰۶).

۲-۱-۳. حکمرانی امنیتی

شیوه تنظیم‌گری و انتظام‌بخشی به امور امنیتی، حکمرانی امنیتی است که به‌مثابه بحثی میان‌رشته‌ای (در پیوند با جامعه‌شناسی سیاسی، علوم سیاسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی و ...) شامل چگونگی سیاستگذاری، تصمیم‌گیری، اجرا و نحوه مدیریت مسائل امنیتی، توسط دولت در تعامل و مشارکت گسترده و معنادار و شبکه‌گونه با مردم و بازیگران غیردولتی در راستای نیل به اهدافی همچون ثبات سیاسی، تأمین امنیت ذهنی مردم و حفظ و ارتقای امنیت است. حکمرانی امنیتی، فرایندی است که شامل سه مرحله تولید، حفظ و بازتولید امنیت می‌شود. (عسگری، ۱۴۰۰: ۲۳۰).

۳-۱-۳. حکمرانی امنیتی ولایی

به باور نگارنده، حکمرانی امنیتی ولایی، فرایند کارآمد تنظیم‌گری امور امنیتی جامعه مبتنی بر اصول و آموزه‌های اسلام در راستای تحقق حیات طیبه است. این فرایند که شامل چگونگی سیاستگذاری، تصمیم‌گیری، اجرا و نحوه مدیریت مسائل امنیتی بر اساس منطق خاص و متکی بر مطلوبیت‌ها و خواست‌های اسلام است، هوشمند، یادگیرنده، ارتقایابنده و خودترمیم بوده و مجهز به فناوری‌های نرم مانند حل مسئله است و توسط دولت اسلامی در تعاملی شبکه‌محور با مردم و بازیگران غیردولتی اجرایی می‌گردد (عسگری، ۱۴۰۰: ۲۳۰).

۴-۱-۳. مبانی

مبانی، جمع مکسر مبناست که خود از «بنی» اشتقاق یافته است. کلمه «بنی» در لغت عرب به معنای بناکردن یا ساختن خانه آمده است. مبنا به معنی نقطه آغازین است (منصورآبادی و ریاحی، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱). مبانی، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا مطرح می‌شود و بخشی از مبادی تصدیقی آن حوزه علمی را شکل می‌دهند. در علوم انسانی، مبانی شامل پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی و علمی است که اغلب در قالب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی مطرح می‌شوند.

۵-۱-۳. رکن

به هر چیزی که به آن اعتماد شود و نیز هر چیزی که موجب بقا و ماندگاری چیز دیگر شود، رکن گفته می‌شود. در تعریف دیگری چنین بیان شده که رکن به جنبه قوی سازه‌ای گفته می‌شود

که قوام و پایداری آن چیز به این جزء مستند می‌شود. رکن، تکیه‌گاهی است که منشأ اصول خواهد بود (ابن‌منظور، ۱۴۱۰ ق: ۱۸۵). بنابر آنچه بیان گردید، رکن، اصل اساسی است.

۶-۱-۳. اصل

اصل، مفهومی است که تمام یا قسمتی از یک نظریه، ایدئولوژی و... بر آن ابتناء یافته باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر اصل نقض گردد و یا از بین برود، موجودیت آن نظریه یا ایدئولوژی با خطر مواجه می‌شود. اصل عبارت است از چیزی که به‌عنوان حقیقت، پذیرفته شده و می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای استدلال قرار گیرد. اصل چیزی- بیشتر یک قاعده یا هنجار- است که بخشی از مبانی برای چیز دیگری می‌باشد. کارویژه عمده تعیین اصول هر مقوله‌ای، پی‌ریزی شالوده‌ای است که بتوان با اتکای به آن، ساختارهای لازم را ایجاد کرد. اصول بنیادین، استحکام روبنا را تضمین خواهند کرد (عسگری، ۱۳۹۹: ۷).

۷-۱-۳. کارکرد

واژه Function از ریشه لاتینی Functio به معنای انجام یک وظیفه گرفته شده و در فارسی معادل‌هایی مانند نقش، عمل، خدمت یافته است. در زبان ریاضی به معنای تابع است و در علوم اجتماعی نقشی را می‌رساند که یک جزء از کل تقبل کرده و موجب نیل به انسجام می‌گردد. در مجموع کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۲: ۱۳۱). به نظر نویسنده، این قبیل کارکردها را در راستای نیل به حکمرانی امنیتی ولایی، می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

- کارکرد ایجابی: با هدف ایجاد رضایتمندی و شکوفایی ظرفیت‌ها و در راستای ایجاد و تقویت احساس تعلق خاطر جامعه و رسیدن به وفاق و احساس آرامش و ایمنی.
- کارکرد ایجابی معطوف به تثبیت و تعمیق حقوق و تکالیف دولت و ملت است.
- کارکرد سلبی: کارکرد سلبی معطوف به کاهش آسیب‌ها و موانع است.
- کارکرد تنظیم‌گری: با هدف متناسب‌سازی فرایند مدیریت امور امنیتی با ماهیت حکمرانی. کارکرد تنظیم‌گری معطوف به تحدید قدرت دولت است.

۸-۱-۳. رویه

رویه‌ها، از ابزارهای استانداردسازی اقدامات و افزایش پیش‌بینی‌پذیری هستند. استاندارد نمودن رفتار، تغییرپذیری را کاهش داده و باعث افزایش هماهنگی در کار می‌شود (رایبیز، ۱۳۸۴: ۹۱). رویه‌ها، رهنمودهای دقیقی ارائه می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که اقدامات و تصمیمات با ارزش‌ها، راهبردها و هدف‌ها همخوانی دارند (ایران‌نژاد پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). رویه‌ها، بیش از آنکه راهنمای اندیشیدن باشند، راهنمای عمل هستند (کونتز و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۸۴-۱۸۳). رویه‌ها چگونگی انجام و تکمیل یک وظیفه یا فرایند را نشان می‌دهند. رویه و رویه‌سازی از جمله مواردی است که مورد تأکید مقام معظم رهبری است. به باور ایشان، رویه‌ها از الزامات تداوم‌یابی امور بوده و به دور از روش‌ها و سلیقه‌های فردی هستند:

«باید ... رویه‌سازی بشود؛ ... علم و پیشرفت علمی ... به صورت رویه در بیاید که قابل توقف

نباشد. ... نیابستی سلاقی و شیوه‌ها و روش‌های مدیریتی در پیشرفت علمی کشور اثر بگذارد؛ این

وقتی خواهد شد که رویه‌سازی بشود». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲۶)

۲-۳. ادبیات نظری**۱-۲-۳. ولایت به مثابه نقطه اتصال خداوند و مردم**

حکومت/حکمرانی بدون اتصال به ولایت و امامت، مشروع نیست. استقرار حکمرانی امنیتی ولایی منوط به برخی شرایط است که از مهم‌ترین آنها، حضور و نقش‌آفرینی «ولی» است. ولی فقیه نقطه تماس و کانون ارتباط آسمان و زمین است؛ واقعیتهایی که برآمده از شرایط و صلاحیت‌های موجود در «ولی» است. «ولایت‌فقیه از ولایت امام، ولایت امام از ولایت رسول و ولایت رسول از ولایت الهی سرچشمه می‌گیرد و به تعبیر دیگر این سه نوع ولایت با واسطه یا بی‌واسطه از ولایت الله سرچشمه گرفته و در طول ولایت الهی هستند نه در عرض آن؛ به عبارتی مردم با کسی که ولایت درباره او جعل شده بیعت نمایند و او را بر امورشان حاکم گردانند» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۳).

۲-۲-۳. حکمرانی به مثابه شأنی از شئون ولایت

بر اساس تعالیم و اعتقادات دینی، حکم و حکمرانی از شئون الهی است و پیامبر که از طرف خداوند مبعوث می‌شود از طرف خداوند حق حکومت دارد، در امتداد ایشان، این صلاحیت تنها برای امام معصوم (علیهم‌السلام) و در زمان غیبت برای فقیه جامع‌الشرایط (ولی) خواهد بود. (امام

خمینی، ۱۳۹۴: ۵۹) در اسلام، حکمرانی دارای ماهیت ویژه‌ای است که با کنکاش در بیانات مقام معظم رهبری، برخی از وجوه این ماهیت در قالب جدول زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۱. ماهیت حکمرانی از منظر مقام معظم رهبری	
«این حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می‌کند ... آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته می‌شود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه‌های بشری در چارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود» (۱۳۹۹/۱۲/۲۱).	خدا و قرآن، منشأ حکمرانی
«حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست‌جمهوری‌های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی‌ها است، نه شبیه رؤسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کلام از این‌ها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی». (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)	امامت به‌مثابه حکمرانی
«امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه‌ای حکمرانی می‌کند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص می‌کند. این یک مسئله همگانی است برای همه جوامع بشری» (۱۳۸۹/۹/۴).	ولایت به‌مثابه حکمرانی
«حکومت و فرماندهی و حکمرانی... در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر می‌شود» (۱۳۶۷/۲/۶).	

۳-۲-۳. امنیت در حکمرانی اسلامی در گرو تبعیت از ولایت

اساس نظام اسلامی به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که ولایت در کانون و بطن آن مستقر است و منشأ تمامی امور است؛ ولی و ولایتی که دارای اوصاف ویژه‌ای از جمله اسلام‌شناس، عدالت و... است. بدون تردید ولایت، مرکز ثقل نظام در نیل به امنیت و بسط و توسعه آن است. بر این مبنا، در حکمرانی امنیتی ولایی، تحقق امنیت در سطح جامعه، ربط وثیقی با پیروی و تبعیت از ولایت دارد. در این رابطه امام رضاع) فرموده‌اند: به‌درستی که رهبری سیاسی، اساس اسلام بالنده است...؛ زیرا از طریق رهبر سیاسی در جامعه نماز، زکات، روزه، حج و جهاد اجرا می‌شود (امنیت سیاسی) و مالیات و صدقه‌ها فراوانی می‌یابند (امنیت اقتصادی) و حدود و احکام اجرا می‌شوند (امنیت داخلی) و از شر دشمنان به مرزها و مناطق جوار مرز جلوگیری می‌شود (امنیت نظامی) (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۰۰).

مبانی حکمرانی امنیتی ولایی از اسلام اخذ می‌شود. حکمرانی اسلامی از لحاظ هستی‌شناسی، هستی حقیقی را متعلق به خداوند می‌داند و سایر موجودات را مظهر تجلی و نشئت‌گرفته از انوار قدسی باری تعالی تلقی می‌نماید و با پرهیز از نگاه تک‌ساحتی به انسان، ابعاد و نیازهای دوگانه مادی و معنوی وی را دارای اهمیت می‌بیند. قرآن، اعتقاد به ربوبیت خدا (غافر/ ۶۴، رحمن/ ۱۷)،

توجه به عالم غیب و زندگی اخروی در کنار زندگی مادی و رابطه این دو حیات باهم (قصص/۷۷) و باور به اینکه همه عوامل طبیعی تحت اراده الهی قرار دارد (اعراف/۵۴، یونس/۲۲) را مطرح کرده است. در حکمرانی امنیتی ولایی، صاحب اصلی قدرت و موجد امنیت، خداوند است و اسلام و ایمان را مرجع امنیت می‌داند.

از نظر معرفت‌شناسی، اسلام منبع اصلی معرفت را آموزه‌های نجات‌بخش وحیانی می‌داند و آنچه که انسان از طریق حواس ظاهری به آن نایل می‌شود، فقط بخش محدودی از آن معرفت عظیم است. قرآن همچنان که حواس و قوه تفکر را ابزار شناخت می‌داند، تقوا و پاکی را نیز وسیله‌ای برای شناخت می‌داند. از منظر قرآن، دل (در شرایطی) ابزار معرفت شهودی است. (ق/۳۷، اعراف/۱۷۹، حج/۸، اسراء/۳۶، فصلت/۵۳) حکمرانی امنیتی ولایی، به دلیل اعتقاد به محدودیت‌های انسان، تجربه و حس را دارای کفایت برای نیل به معرفت درست نمی‌داند و از معارف عقلی و نقلی نیز بهره‌گیری می‌نماید.

در روش‌شناسی هم اسلام با پرهیز از نگاه اثبات‌گرایانه، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. قرآن در حوزه روش‌شناسی، از روش تلفیقی بهره می‌گیرد؛ به عبارتی در مورد رابطه عقل و حس با شهود (نحل/۷۸، حج/۶۷، ق/۳۷، محمد/۲۴)، قرآن معتقد به شناخت حسی، عقلی و شهود، همزمان و تلفیقی است؛ به عبارتی، اگر قرآن از سمع و بصر (شناخت حسی) سخن می‌گوید، به فؤاد (شناخت عقلی یا شهودی) هم اشاره کرده است. (فصلت/۵۳، مؤنون/۷۸، جائیه/۲۳، اسراء/۳۶) در حکمرانی امنیتی ولایی، در کنار عقل و تجربه از شهود و وحی نیز استفاده می‌شود، همچنین از رویکرد ایجابی در تحلیل‌ها بهره‌گیری می‌شود (افتخاری، صدقی، ۱۳۹۵: ۳۱-۵).

به لحاظ انسان‌شناسی در حکمرانی امنیتی ولایی، انسان، مقید، صلح‌طلب، مصلح، در پی تأمین امنیت دنیوی و اخروی خود و جامعه، حافظ جان و مال و آبرو و دین مردم است. ارزش امنیتی چنین انسانی، فرصت امنیتی است. همین نگاه متفاوت به مقوله‌های هستی، انسان، معرفت و روش است که سبب شکل‌گیری حکومت‌ها و حکمرانی‌های متفاوت شده است؛ در واقع حکمرانی ولایی و حکومت صالحان مبتنی بر جهان‌بینی الهی است.

بر اساس بندهای بالا، حکمرانی امنیتی ولایی، می‌تواند ادعای برخی مبنی بر ضعیف بودن نیل به اجماع و وفاق گفتمانی و شکل‌گیری قطب‌بندی و تعارض در جامعه و ساختار و نهادهای امنیت ملی ایران (خلیلی، ۱۳۹۹: ۴۸-۷) را مرتفع نماید. در حکمرانی امنیتی ولایی، تشویق (در بیشتر مواقع و جز در برابر آشوبگران) جایگزین تنبیه است؛ به عبارتی، به دلیل بار منفی مفاهیمی همچون قدغن/ بستن/ محدود/ محروم‌سازی و... و موضع‌گیری جامعه علیه آنها، اسلام، نظام‌ها را به‌سوی رویکرد نوین بهره‌گیری از مشوق‌ها سوق می‌دهد. به جای کاربست رویکرد منفی و سلبی، می‌توان انتخاب رفتارها/کش‌های نامطلوب را بسیار پرهزینه کرد و از سوی دیگر، با اعطای مشوق‌هایی، اقدامات موردنظر را گسترش داد؛ درواقع روندها مؤید نفی تربیت تنبیه‌مدار جامعه و گرایش به اقتاع تشویق‌محور است. حرکت از تصدی‌گری به‌سوی تنظیم‌گری دیگر نکته برجسته حکمرانی امنیتی ولایی است؛ گفتنی است این عبارت به معنای نفی تصدی‌گری دولت در برخی زمینه‌های خاص نیست. تنظیم‌گری به معنای مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی است که برای تنظیم روابط و تعاملات بین اجزای مختلف یک نظام یا جامعه (ذینفع و درگیر در موضوعی خاص)، انجام می‌شود. این اجزا شامل آحاد مردم، گروه‌ها، نهادهای رسمی و غیررسمی، بخش‌های حاکمیت و سایر قسمت‌های یک جامعه می‌شوند. نظام کارآمد دیوان‌سالاری، ابزار تحقق ارزش‌هایی همچون پاسخگویی، شفافیت و... در حکمرانی امنیتی ولایی است. مردمی‌سازی امنیت، به‌مثابه یکی از ارکان حکمرانی امنیتی ولایی، مورد توجه و تأکید رهبر معظم انقلاب بوده و از آن به‌عنوان «سبک» حکمرانی اسلامی نام می‌برند:

«سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، آشرافی نبودن، سرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم]». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹)

به نظر رهبر معظم انقلاب، «حکمرانی مردمی» بخشی از اهداف انقلاب اسلامی است:

«انقلاب وقتی تشکیل شد... هدف‌های بزرگی داشت؛ تبدیل حکمرانی فردی و استبدادی به حکمرانی مردمی». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۲/۶)

این تأکید و توجه مقام معظم رهبری، ناشی از وجود باورهای زیر است. نخست آنکه:

«هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با

مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند». (بیانات مقام معظم رهبری،

(۱۳۹۰/۷/۲۰)

باور دوم آنکه:

«هر نهادی که مردمی شد، ماندنی است؛ زیرا مردم ماندنی هستند. ماندنی‌ترین چیزهای این عالم،

مردمند. اگر چیزی به سرچشمه مردم وصل شد، این دیگر تضمین شده و تمام گردیده است».

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱)

حکمرانی امنیتی ولایی در گرو «ولایت/هدایت» است؛ چراکه وعده تخلف‌ناپذیر الهی در آیه ۶۹ سوره عنکبوت «حرکت مخلصانه و جهادی و انقلابی از انسان و گشایش و گشودن راه‌ها از خداست»؛ جایی که می‌فرماید: «و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) تلاش کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است». حکمرانی امنیتی ولایی، کلید تحکیم و تاب‌آوری و موجب ارتقای رضایت عمومی و مانع شکنندگی نظام است. در این حکمرانی هم افراد و هم جامعه موضوعیت دارد؛ اگر فرد تغییر کند، جامعه هم تغییر می‌کند و فرد تغییر یافته در مسیر ایمان، در امنیت جامعه کارساز است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله قصد دارد با کمک مضامین و مفاهیم به‌دست‌آمده از متن بیانات مقام معظم رهبری، به شبکه‌ای از مضامین مرتبط با حکمرانی امنیتی ولایی برسد. روش استفاده‌شده در این پژوهش، تحلیل مضمون از انواع تحلیل‌های کیفی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA است. با استفاده از این روش، داده‌های متن کاهش‌یافته، بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌شوند و سپس به‌گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و الگوهای موجود در متن از درون داده‌ها استخراج شوند؛ این روش، شیوه‌ای برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها در درون داده‌هاست (بویاتزیس^۱، ۱۹۹۸: ۳۶).

هدف در تحلیل مضمون برخلاف نظریه زمینه‌ای یا نظریه داده‌بنیاد، استخراج الگوی مفهومی است که در دل متن، نهفته است و ضرورتی برای صورت‌بندی نظریه جدیدی برای توصیف یافته‌ها وجود ندارد، پس روش تحلیل مضمون افزون بر اینکه به پژوهشگر امکان

می‌دهد که مضامین موجود در متن را بررسی و استخراج کند، می‌تواند به الگویی نظام‌مند از مضامین و روابط میان آنها نیز منتج شود؛ به عبارتی، منظور از الگو، مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به‌دست می‌آید (یزدخواستی، پناهی، مهری، ۱۳۹۳: ۸۷-۷۵). این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون، کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون، فقط روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی برای «دیدن متن»، «برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط»، «تحلیل اطلاعات کیفی» و «تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی» است (بویاتزیس، ۱۹۹۸: ۴) در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی، نوع تحقیق بر اساس هدف، توسعه‌ای و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده است که پس از مراجعه به وبگاه مقام معظم رهبری، بیانات مرتبط با موضوع این مقاله شناسایی شد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است.

برای محاسبه پایایی، محقق ابتدا کدگذاری بیانات را یک‌بار با مطالعه سطر به سطر و به‌صورت دستی و به‌منظور اطمینان بیشتر یکبار هم این کدگذاری را با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام داده است. در گام بعدی، بیانات مقام معظم رهبری در اختیار یک پژوهشگر دیگر قرار داده شد و ایشان نیز مطابق با توضیحات ارائه‌شده، یک‌بار دیگر متون را کدگذاری نمودند. بعد از اتمام کدگذاری در این دو مرحله، نتایج کدگذاری‌ها با یکدیگر مقایسه و طبق فرمول زیر از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد:

$$PAO=2M/(n1+n2)$$

$$۲*۶۱/(۶۱+۷۱)=۰/۹۲$$

در این فرمول PAO به معنی درصد توافق مشاهده‌شده (ضریب پایایی)، M تعداد کدهای موردتوافق در دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاری‌شده در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری‌شده در مرحله دوم است. این رقم میان صفر (هیچ توافق) تا یک

(توافق کامل) متغیر است. پاسخ نتیجه محاسبه برای پژوهش حاضر که ۰/۹۲ محاسبه شد، نشان می‌دهد مضامین از پایایی (قابلیت اعتبار) بالایی برخوردارند.

۵. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. یافته‌های پژوهش

هدف اصلی این مقاله، احصای اجزای حکمرانی امنیتی ولایی مبتنی بر سخنان رهبر معظم انقلاب بود. این پژوهش شامل فرایند تحلیل مضمون و متشکل از دو زیربخش کدگذاری و تحلیل مضامین است. در قسمت کدگذاری ابتدا بیانات مقام معظم رهبری بررسی شد و در ادامه، کدگذاری آغاز گردید. در این روند، سازه حکمرانی امنیتی ولایی به‌عنوان چراغ‌راهنما مورد عنایت بود و با توجه به آن، قسمت‌هایی از محتوای بیانات که به‌صورت صریح یا تلویحی مضمون کد موردنظر بود، علامتگذاری شد. بر پایه محتوای هر قسمت، یک نام برای آن در نظر گرفته شد. همراه با انجام کدگذاری یک فایل جداگانه در نظر گرفته شد و نام همه کدها در آن ذخیره شد. پس از آن، کدگذاری‌های بیشتر و مداومی انجام شد و با مراجعه مستمر به فایل ذخیره‌شده، انجام بررسی‌های مجدد و تطبیق بخش‌های مورد نظر با نام‌های در نظر گرفته شده، کدهای مشابه تأیید شدند و موارد جدید نیز کدگذاری شده و نام جدیدی به آنها اختصاص یافت و کدهای جدید هم به فایل کدهای ذخیره شده اضافه گردید. با پایان کدگذاری متون مورد نظر در مرحله اول، قسمت‌های مشخص شده به نرم‌افزار MAXQDA وارد شد.

پس از انجام این کار، کدگذاری‌های مشخص که به‌صورت دستی انجام گرفته بود به نرم‌افزار وارد شد تا اینکه کدها به‌صورت یک فهرست مشاهده گردید. در آغاز، ۱۰۴ کد، معین گردید که با واریس‌های مستمر و حذف کدهای تکراری و استفاده از نظرات یک کارشناس خبره، تعداد ۶۱ کد باقی ماند. در گام اول از تحلیل مضمونی لازم بود از متن اصلی (شامل ۶۱ کد) مضمون‌های پایه‌ای استخراج شود که با خواندن آن متن، مستقیماً به ذهن متبادر می‌گردند. پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای باید مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، شناسایی شوند. در این مرحله از تحلیل مضمونی تلاش می‌شود با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون فراگیرتر رهنمون سازد.

بر پایه جدول زیر، از ۶۱ مضمون احصاشده، ۴ مضمون، ارکان را تشکیل دادند، ۶ مضمون در چارچوب اصول، ۲۴ مضمون در قالب رویکرد ایجابی، ۷ مضمون در دسته رویکرد تنظیم‌گری، ۸ مضمون در قالب رویکرد سلبی، ۹ مضمون در قالب رویه، ۲ مضمون در چارچوب منطق و یک مضمون در قالب شرط بودند که بی‌توجهی یا نادیده‌انگاری آنها، می‌تواند موجب خلأیی جدی در فرایند نیل به حکمرانی امنیتی ولایی باشد.

جدول شماره ۲. حکمرانی امنیتی ولایی با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری			
مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه‌ای	بیانات
حکمرانی امنیتی ولایی	ارکان	توحید	«ان مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می‌آید- یعنی جهان‌بینی و پیش‌اسلامی- فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ ... یکی توحید است» (۱۳۷۹/۹/۱۲).
			«اگر مسئله مبادا حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد» (۱۳۸۹/۹/۱۰).
		ولایت	«مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئله هر ملتی، همین مسئله حکومت و ولایت است» (۱۳۶۹/۴/۲۰).
			«در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، چطور حکومتی است؟ ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زورکی باشد؛ آن حکومتی که با کودتا همراه باشد؛ آن حکومتی که حاکم، عقاید مردمش را قبول نداشته باشد و افکار و احساسات مردمش را مورد اعتناء قرار ندهد؛ آن حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم- مثل حکومت‌های امروز دنیا- از امکانات خاص و از برخورداری‌های ویژه بهره‌مند باشد و برای او، منطقه ویژه‌ای برای تمتعات دنیوی وجود داشته باشد، هیچکدام به معنای «ولایت» نیست و ولایت، یعنی حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسته‌اند؛ به او علاقه‌مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد. استکبار در ولایت وجود ندارد. حکومتی که اسلام معرفی می‌کند، از دموکراسی‌های رایج دنیا مردمی‌تر است؛ با دل‌ها و افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد؛ حکومت در خدمت مردم است» (۱۳۷۹/۱/۶).
	عدالت	«استقرار عدالت اجتماعی... از ارمان‌های اساسی است» (۱۴۰۰/۲/۲۱).	
	مردم‌محوری	هر نهادی که مردمی شد، ماندنی است؛ زیرا مردم ماندنی هستند. ماندنی‌ترین چیزهای این عالم، مردمند. اگر چیزی	

		به سرچشمه مردم وصل شد، این دیگر تضمین شده و تمام گردیده است» (۱۳۶۹/۱۰/۱۱).	
اصول	شفافیت	«مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند» (۱۳۹۷/۷/۳۰).	
	پاسخگویی	«مسئولان بلندپایه کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران همه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگویی کار خود، پاسخگویی تصمیم خود، پاسخگویی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخگویی است؛ این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم» (۱۳۸۳/۱/۲۶).	
	بصیرت	«بصیرت در این دوران و در همه دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟» (۱۳۹۱/۷/۲۴). «شما اگر ندانی دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، توپخانه را که روشن کردی، به جای اینکه به دشمن بخورد، به دوست می‌خورد؛ بصیرت برای این است» (۱۳۹۵/۱۰/۱۹).	
	امر به معروف و نهی از منکر	«امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه حرکات اجتماعی اسلام است» (۱۳۹۴/۱/۱).	
	مشارکت	«بنای جمهوری اسلامی بر ... اعتقاد به مشارکت مردم است» (۱۳۸۷/۹/۲۴). «دفاع ما دفاع مردمی بود. امروز هم هرگاه برای نظام اسلامی خدای ناخواسته مشکلی پیش آید، باز، حل آن مشکل، حل مردمی است» (۱۳۷۲/۵/۸).	
	همه‌جانبه بودن امنیت	«باید امنیت همه‌جانبه مورد توجه باشد» (۱۳۸۰/۲/۲۸).	
	کارکرد ایجابی	دفاع/حمایت از ملت در برابر جرم و مجرم	«پلیس موظف است در مقابل مجرم بایستد، امنیت احاد مردم را تأمین کند. آن کسی که به پلیس حمله می‌کند، در واقع مردم را بی‌دفاع می‌گذارد در مقابل مجرمین، در مقابل اراذل و اوباش، در مقابل دزد، در مقابل زورگیر» (۱۴۰۱/۷/۱۱). «قوه قضاییه باید به جایگاهی برسد که هر فرد مظلومی احساس کند با رجوع به دستگاه قضایی می‌تواند حق را بگیرد و مظلومیت خود را برطرف کند» (۱۳۸۹/۴/۷).
		دفاع/حمایت از امنیت	«وظیفه دستگاه‌های مسئول است که دشمنان ملت را درست بشناسند؛ ایادی دشمن را در میان مردم بدانند؛ جهت‌گیری‌های دشمنان را بشناسند و از حق ملت دفاع کنند؛ از امنیت ملت دفاع کنند» (۱۳۸۵/۳/۱۴).
دفاع/حمایت (مشروط) از مخالف		«اگر به نام انقلابی‌گری و عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، از خط امام منحرف شده‌ایم» (۱۳۹۰/۳/۱۴).	

		<p>«ما به‌عنوان حکومت، این مخالفی که در داخل جامعه وجود دارد - ولو مخالف نظام هم هست - تا وقتی که توطئه و معارضا نکرده است، جان و مال و عرض و ناموس و حیثیت او امانت است؛ ما باید از او دفاع کنیم و می‌کنیم... وقتی به معارض و توطئه‌کننده و برخوردارکننده و عامل دشمن تبدیل نشده‌اند، رفتار حکومت با آنها، رفتاری مثل مؤمنین و مثل بقیه مردم است و هیچ تفاوتی ندارد.» (۱۳۷۹/۲/۲۳).</p>
	دفاع/حمایت از حکمت‌ورزی	<p>«معنای حکمت ... یعنی اینکه صحبت، مبتنی بر مبانی صحیح، عقلانی، متفن و متکی به مدارک باشد. حکمت این است: حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان؛ این حکمت است.» (۱۳۷۲/۲/۶).</p>
	دفاع/حمایت از حقوق شهروندی	<p>«اعتقاد ما به آزادی و تامین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم، ریشه‌دار و دارای مبانی دینی است.» (۱۳۸۲/۵/۱۵).</p> <p>«بین کسانی که به نظام معتقدند و کسانی که مخالف نظامند، در حقوق شهروندی تفاوتی نیست» (۱۳۸۰/۶/۱۵).</p>
	دفاع/حمایت از حقوق ملت (از جمله قومیت‌ها و مذاهب)	<p>«فارغ از اینکه یک فرد، مسلمان است یا غیر مسلمان، به نظام اسلامی وفادار است یا نیست، حقوق عمومی او باید محفوظ باشد... باید آزادی و نگاه عادلانه برای همه یکسان باشد.» (۱۳۹۸/۷/۴).</p> <p>«تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است.» (۱۳۸۷/۲/۲۴).</p> <p>«نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه چنین چیزی نبوده.» (۱۳۸۷/۲/۲۴).</p>
	دفاع/حمایت از مطالبه‌گری جامعه	<p>«مطالبه‌گری کنید و از مسئولان بخواهید که کار جدی بکنند.» (۱۴۰۱/۲/۶).</p> <p>«حق مردم است که از مسئولان کار و تلاش و ابتکار و اقدام به موقع و رفتار مسئولانه بخواهند.» (۱۳۸۳/۴/۱۵).</p>
	دفاع/حمایت از افتخار فکری و پرهیز از تحمیل	<p>«افتخار با گلوله، روش مارکسیست‌ها بود.» (۱۳۹۴/۴/۲۰).</p>
	دفاع/حمایت از رویکرد تشویقی/ایجابی	<p>«این اقتدار (نیروی انتظامی) با ادب، با مهربانی، با تدبیر، مظاهر دیانت در اظهارات، در رفتار، در منش نشان داده شود. این تأثیر می‌گذارد روی مردم.» (۱۳۸۴/۱۲/۱۵).</p>
	دفاع/حمایت از بزرگوار بودن دولت	<p>«یک نوع نظام هم نظامی است که با محبت و عطوفت مردم اداره می‌شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا این‌گونه بوده است؛ بعد از این هم باید این‌طور باشد.» (۱۳۷۰/۵/۲۳).</p>
	دفاع/حمایت از داشتن صداقت با	<p>«گفتگوی صادقانه با مردم هم یکی از کارهایی است که به مردمی بودن کمک می‌کند.» (۱۴۰۰/۵/۱۲).</p>

		<p>مردم</p> <p>دفاع/حمایت از ساده‌زیستی دولتمردان</p>	<p>«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل ... عامل گسیخته شدن پیوند ... با مردم است» (۱۳۸۳/۳/۶).</p>
		دفاع/حمایت از نداشتن نگاه از بالا	«مستول کشور، خودش را دارای شان و روحیه خدمتگزاری به مردم بداند؛ نگاه، از بالا نباشد... خیلی از این مردم از ما بالاتر هم هستند» (۱۳۹۹/۴/۷).
		دفاع/حمایت از شایسته‌سالاری	«در همه نظامات جمهوری اسلامی، در قوه مجریه، در قوه مقننه، در قوه قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییرها و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است» (۱۳۹۰/۷/۲۴).
		دفاع/حمایت از همکاری و هم‌افزایی	«وزارت اطلاعات با حفاظت [اطلاعات ارتش]- باید تمام تلاش‌ها را بکند که با هم همکاری کنید» (۱۳۷۷/۴/۱۸). «همکاری، هم‌افزایی و رقابت حرفه‌ای دستگاه‌های اطلاعاتی کشور» (۱۳۹۷/۱/۲۹).
		دفاع/حمایت از نوآوری	«نوآوری، پیگیری کارهای ابتکاری و تجربه‌نشده در طراحی‌های عملیاتی و اطلاعاتی» (۱۳۸۹/۶/۲۲). «وزارت اطلاعات نیز باید متناسب با حجم فعالیت دشمنان، تلاش‌ها، اقدامات و نوآوری‌های مؤثری را سازماندهی کند» (۱۳۸۳/۷/۱۸).
		دفاع/حمایت از کاربست فناوری‌ها	«بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در زمینه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری» (۱۳۸۳/۷/۱۸).
		دفاع/حمایت از ارزش محوری	«همه باید خودمان را مدیون بدانیم و متعهد بدانیم به حفظ و پاسداری آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های انقلاب» (۱۳۹۲/۵/۱۵).
		دفاع/حمایت از تهاجم اطلاعاتی	«باید در این جنگ (اطلاعاتی) و در مقابل برنامه‌های جبهه مقابل ایستاد و برای غلبه بر دشمن، علاوه بر دفاع باید برنامه تهاجم نیز داشت؛ به گونه‌ای که زمین بازی به‌وسيله دستگاه اطلاعاتی ما تعیین شود» (۱۳۹۷/۱/۲۹).
		دفاع/حمایت از تسهیل‌گری	«به دستگاه‌ها برای تسهیل کارها... دستور داده شود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۳/۱۹). «قوانین و دستورالعمل‌های مزاحم ... باید نسخ بشود، با مقررات تسهیل‌کننده جایگزین بشود» (۱۳۹۷/۸/۲۸).
		دفاع/حمایت از اصلاح نفس انسانی	«در اسلام، نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از این‌جا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: «قوا انفسکم»، «علیکم انفسکم». خودتان را مراقبت کنید، به خودتان پردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید؛ «قد افلح من زکّیها». اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه انسان‌ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم، آدم‌های مصفا و خالص و بی‌غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد»

			(۱۳۶۹/۵/۲۴). «التاس معادن كعمادن الذهب و الفضة» آنچه که در این جمله شریف و کوتاه و پرمغز مورد نظر است، وجود استعدادها با استعدادهای پنهان در هر فردی از افراد انسان است... انسان‌ها با استعدادهای گوناگون‌شان، تأمین‌کننده نیاز جوامع بشری برای سیر الی‌الله و سیر الی‌الکمال‌اند؛ همه این استعدادها باید استخراج شود. این، وظیفه ... حکومت‌ها را سنگین می‌کند. استعدادیابی، استعدادشناسی، قدر استعداد را دانستن، راه استخراج این استعدادها و به فعلیت رساندن آنها را بلد بودن، بعد با ظرافت تمام این را دنبال کردن، این آن چیزی است که بروز استعدادها را نتیجه خواهد بخشید» (۱۳۹۱/۱۱/۲۳).
		دفاع/حمایت از پرورش انسان‌ها	«قوی‌ترین کشورها، در این زمینه‌ها در [فضای مجازی] خط قرمز دارند؛ راه نمی‌دهند؛ خیلی از بخش‌های فضای مجازی اعزام‌شده از سوی آمریکا و دستگاه‌های پشت سر و پشت صحنه این قضیه را راه نمی‌دهند؛ کنترل می‌کنند. ما هم باید کنترل کنیم؛ این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را از فضای مجازی محروم کنیم» (۱۳۹۶/۳/۲۲).
		دفاع/حمایت از کنترل فضای مجازی	ابلاغ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری (۱۳۹۸/۷/۶).
کارکرد تنظیم‌گری	تشیح و اصلاح قوانین و نظام قانون‌گذاری	کاهش تصدی‌گری	«باید حتماً تا آنجایی که می‌توانید، در غیر وظایف حکومتی و حاکمیتی، از تصدی‌گری دولت اجتناب کنید» (۱۳۸۵/۶/۶).
	مدیریت تعارض منافع		«تعارض منافع فقط در اقتصاد نیست؛ در بخش‌های دیگر هم تعارض منافع [هست]. اگر من و شما در توجه مردم به ما، یک منفعتی داریم، یک منفعت هم منفعت عمومی کشور است، اینجا تعارض منافع است دیگر؛ کدام را مقدم خواهیم کرد؟ اگر ما آبروی خودمان و توجه مردم به خودمان را مقدم دانستیم بر آنچه نفع کشور در آن است، خب این مصداق تعارض منافع است؛ باید خدا را در نظر داشته باشیم» (۱۴۰۱/۱/۲۳).
			«باید مسئله تعارض منافع شخصی و منافع عمومی ... در دستگاه‌های دولتی حل شود» (۱۴۰۰/۶/۶).
	هوشمندی		«شما بایستی هوشمندی‌تان را به کار ببرید، شیوه‌ای را که دشمن انتخاب کرده - در بین هزاران احتمال یا صدها احتمال- پیدا کنید، به خودش برگردانید» (۱۳۶۷/۴/۱۸).
	سیاست‌گذاری درست		«اگر سیاست‌گذاری به شکل صحیح نباشد، پراکنده‌کاری و احیاناً تعارض، تناقض و انحراف، ... مسلط خواهد شد» (۱۳۶۹/۱۲/۱۴).
	کلان‌نگری		«ما به ... مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم؛ این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا می‌کند که اولاً موقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، ایستگاه خودمان را در وضع کنونی بازبایی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم» (۱۳۹۳/۶/۱۳).
	تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌ها		«تصمیم‌گیری‌ها را از حالت تمرکز خارج کنید» (۱۳۹۵/۶/۳).

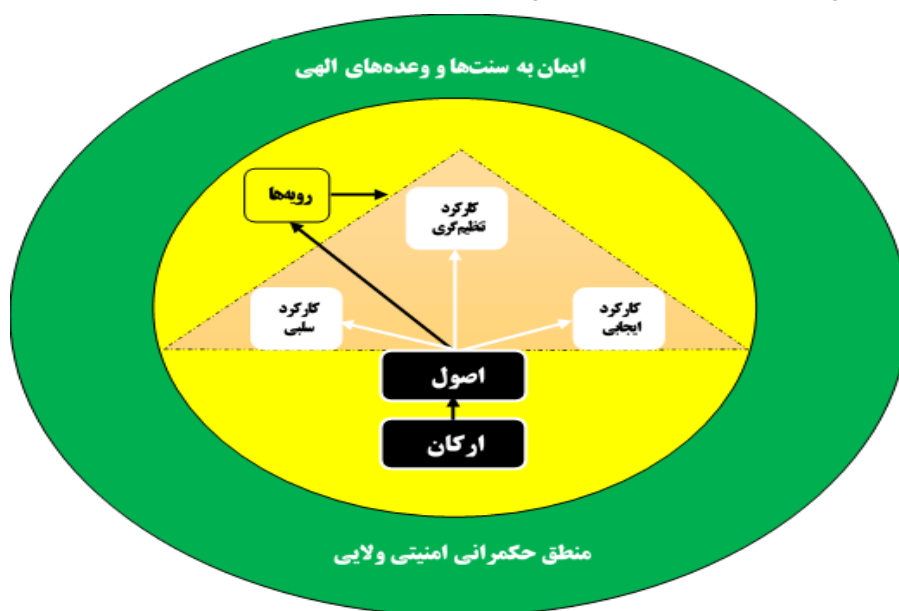
کارکرد سلیبی	مبارزه با فقر، فساد و تبعیض و تفاوت طبقاتی	«مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست». (۱۳۸۲/۷۵).
		«جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد، مشکلات معیشتی غیرقابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد، شکاف طبقاتی باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند». (۱۳۹۳/۲/۲۳).
		«اسلام ضد اختلاف طبقاتی است، ضد فاصله‌های (بین) فقیر و غنی است». (۱۴۰۰/۳/۱۴).
	مقابله با انباشت قدرت	«در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد» (۱۳۷۷/۱۲/۴).
	مقابله با رانت	«انصف الله و انصف الناس من نفسک و من خاصه اهلک و من لک فیه هوی من رعیتک»؛ یعنی درباره خودت، درباره دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا بکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آنها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی مآب ما به آن «رانت‌خواری» می‌گویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت این‌که اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضد مردم‌سالاری است» (۱۳۷۹/۹/۱۲).
	نهی خشونت‌ورزی غیر قانونی	«اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده؛ اما در مواردی که خشونت قانونی باشد، آن را نفی هم نکرده است. ما دوگونه خشونت داریم: یک خشونت قانونی است؛ یعنی قانون خشونتی را اعمال می‌کند؛ می‌نویسد که اگر فلان کس این کار را کرد، او را به زندان ببرند. این خشونت است، اما این خشونت بد نیست. این خشونت در برابر تجاوز به حقوق انسانهاست. این خشونت در مقابل آدم بی‌قانون است. این خشونت در مقابل متجاوز است. اگر در مقابل متجاوز خشونت اعمال نشود، تجاوز در جامعه زیاد خواهد شد. این‌جا خشونت لازم است. یک خشونت هم خشونت غیرقانونی است. مثلاً یک نفر بی‌جا، خودسر، خودرأی، بر طبق میل خود، برخلاف قانون و بر خلاف دستور، نسبت به کسی اعمال خشونت می‌کند؛ یک سبلی به گوش کسی می‌زند. آیا این خوب است یا بد است؟ معلوم است که این بد است. در این شکی نیست». (۱۳۷۹/۱/۲۶).
	نهی امنیتی کردن	«تا آنجایی که ممکن است، فضای کشور نباید امنیتی بشود». (۱۴۰۱/۷/۲۰).
	نهی تحقیر	«به مسئولان کشور - در سه قوه - این را تاکید می‌کنم که آنها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است» (۱۳۹۴/۱/۱).
	نهی غفلت	«از دشمن که نباید غفلت کرد. دشمن دانستن دشمن که عیب نیست؛ اینکه ما روی دشمن مدام تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که از عیوب خودمان و مشکلات درونی خودمان غافلیم... این‌ها به‌جای خود محفوظ؛ اما غفلت از دشمن بیرونی، خطای راهبردی عظیمی است که ما را دچار خسارت خواهد کرد. خب، باید دشمن را شناخت، دید... دشمنی او را

		باید فهمید، نقشه‌ی او را باید تشخیص داد» (۱۳۹۳/۴/۱۱).
	مقابله با نفوذ	«مسئولین گوناگون -از جمله خود سپاه- جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت انشاءالله می‌گیرند» (۹۴/۶/۲۵).
رویه‌ها	قانون‌مندی	«قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - [قانونی] که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون [است]. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه دستگاه‌ها این باید نهادینه بشود» (۱۳۹۲/۶/۶).
	اقتدارمحوری	«هیچ قدرت و غلبه‌ای در مکتب امام که از تغلب و از اعمال زور حاصل شده باشد، مورد قبول نیست. در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد» (۱۳۹۳/۳/۱۴).
	اصلاح‌پذیری	«اصلاحات جزو ذات هویت انقلابی و دینی نظام ماست. اگر اصلاح به‌صورت نو به نو انجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت» (۱۳۷۹/۴/۱۹).
	عقلانیت	«عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است» (۱۳۹۰/۴/۹). «در فرایند جامعه‌سازی اسلامی، ... عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار است» (۱۳۸۳/۵/۲۵).
	علم‌گرایی	«علم و پیشرفت علمی؛ به‌صورت جریان در بیاید، به‌صورت رویه دربیاید که قابل توقف نباشد» (۱۳۹۷/۷/۲۶).
	انعطاف‌پذیری	«برنامه‌ریزی باید اهداف کاملاً مشخص و قابل دستیابی و دارای زمان‌بندی باشند به‌گونه‌ای که برنامه قابل سنجش کمی و همچنین قابل انعطاف باشد» (۱۳۹۵/۷/۱۱). «نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است» (۱۳۹۲/۶/۱۴).
	ایندپژوهی	«برنامه‌ریزی بلندمدت با پیش‌بینی رویدادهای آینده و تحلیل و بررسی دقیق» (۱۳۹۷/۱/۲۹).
	یادگیری	«اما از یادگیری به‌هیچ‌وجه احساس سرشکستگی نمی‌کنیم. لازم است یاد بگیریم از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم» (۱۳۹۰/۵/۱۹).
	روش‌مندی	«در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد. این‌طور نیست که کسی یا جمعی حق داشته باشند به هر روش و وسیله‌ای متشبث شوند، برای این‌که قدرت را به دست آورند - همان‌گونه که امروز در بسیاری از مناطق دنیا رایج است - نه، قدرتی که از این راه به دست آید و یا حفظ شود، قدرت نامشروع و ظالمانه است. در اسلام، روش‌ها بسیار مهمند؛ روش‌ها مثل ارزش‌ها هستند. در اسلام همچنان که ارزش‌ها بسیار اهمیت دارند، روش‌ها هم اهمیت دارند و ارزش‌ها باید در روش‌ها هم خودشان را

		نشان دهند. امروز اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم» (۱۳۷۹/۱۲/۲۶).
منطق	اعتدال	«اعتدال... یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ‌روی و بدون راست‌روی.» (۱۳۹۱/۵/۵).
	تکامل	«اما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد.» (۱۳۷۹/۹/۱۲). «اما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است.» (۱۳۸۳/۸/۶).
شرط	ایمان به وعده‌ها و سنت‌های الهی	«کمک و نصرت الهی، حتمی است؛ متها شرط این نصرت، حضور در میدان عمل است.» (۱۳۸۵/۸/۲).

۲-۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بر مبنای آنچه بیان شد می‌توان گفت که برخی از ارکان، اصول و کارکردها و رویه‌ها، (مانند عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از امنیت مردم، اقتدارگرایی) به‌طور مستقیم به امنیت ارتباط دارند و برخی از موارد نیز دارای پیوندی تبعی با امنیت هستند؛ به عبارتی، بین حکمرانی، ولایت و امنیت، ربط وثیقی وجود دارد.



شکل شماره ۱. اجزای حکمرانی امنیتی ولایی

اجزای حکمرانی امنیتی ولایی، «ارکان» «اصول»، «کارکردها» و «رویه‌ها» هستند و برآیند اثرگذاری و نقش‌آفرینی آنها در مجموع، فرایند حکمرانی امنیتی ولایی را شکل می‌دهد؛ به عبارت دقیق‌تر، این حکمرانی، مبتنی بر ارکان، اصول و رویه‌ها باید کارکردهای سه‌گانه ایجابی، سلبی و تنظیم‌گری را ایفا نماید.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحول در حکمرانی امنیتی باید از اصلی‌ترین اهداف گام دوم انقلاب اسلامی باشد. هدف این مقاله تبیین حکمرانی امنیتی ولایی با استفاده از بیانات فرمانده معظم کل قوا بود. برای تحقق این هدف، نویسنده پس از ارائه مباحث مقدماتی، مفاهیم مهم تحقیق را تعریف نمود. در ادامه نیز با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری، این نوع از حکمرانی مورد بحث قرار گرفت. بر مبنای آنچه گفته شد حکمرانی امنیتی سنتی که در بیشتر مواقع با توهین و تحقیر همراه خواهد بود، با اصالت‌بخشی گزاره‌های اسلامی باید متحول شود که دارای مزایایی همچون افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری متقابل است.

یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد دولت، موتور محرک جهت حرکت در مسیر اجتناب‌ناپذیر اسلامی‌سازی حکمرانی امنیتی است که البته با توجه به نهادینه شدن نوع سنتی حکمرانی، امری بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود؛ به تعبیری فراروی دولت «راهکارهای نرم» و «گزینه‌های سخت» قرار دارد. دولت باید بخشی از قدرت و اختیار خود را واگذار نماید. بدون تردید حکمرانی امنیتی با ارکانی همچون «توحید، ولایت، عدالت و مردم‌محوری» و اصولی همچون «شفافیت، پاسخگویی، بصیرت، امر به معروف و نهی از منکر، مشارکت، و همه‌جانبه بودن امنیت» واجد صفت «اسلامی» خواهد بود؛ صفتی که با رویه‌هایی مانند «قانون‌مندی، اقتدارمحوری، اصلاح‌پذیری، عقلانیت، علم‌گرایی، انعطاف‌پذیری، آینده‌پژوهی، یادگیری و روش‌مندی»، تداوم و استمرار خواهد یافت. کارکردهای «تنظیم‌گری، ایجابی و سلبی»، متضمن رضایت، امنیت، ثبات سیاسی، نظم اجتماعی، بالندگی و تعالی، شکوفایی و اعتمادزایی است. منطق اعتدال و تکامل و رعایت

شرط «ایمان به نصرت و سنت‌های الهی» نیز از دیگر بخش‌های حکمرانی امنیتی ولایی است. به عقیده نویسنده، با کاربست این اجزاء می‌توان گام بلند و مهمی را در تحقق حکمرانی امنیتی ولایی برداشت.

در مقام جمع‌بندی باید گفت حکمرانی امنیتی ولایی به‌مثابه یک الزام، ناگزیر از توجه به مباحث یادشده است. «حکمرانی امنیتی ولایی» تحت‌تأثیر عملکرد و تجارب گذشته، فشار الزامات کنونی و نیازهای آینده، مقوله‌ای چندبُعدی و چندلایه است و راهبری آن نیاز به تخصص و دانش اکتسابی دارد. برآیند حکمرانی امنیتی ولایی، میدان‌داری اصول و احکام و گزاره‌های اسلامی، مردم و هدایت و نظارت دولت، پویایی و استحکام ساخت درونی و قدرت نظام، حرکت به‌سوی رضایت‌مندی و جهشی در جهت نیل به «دولت اسلامی» است.

در حکمرانی امنیتی ولایی، مبنای تابع شدن، نه زور و خشونت بلکه اقتناع است، از این مسیر، مقاومت در برابر اقتدار اعمالی، به حداقل خواهد رسید. حکمرانی امنیتی ولایی، چارچوبی همه‌جانبه بوده و عرصه و ظرفیت تبدیل‌اندیشه به کنش و آرمان‌های اسلامی به واقعیت است.

۱-۶. پیشنهاد

- مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با تعریف مطالعات و پژوهش‌های بنیادین، گام‌های علمی و عملی سازنده‌ای را جهت بلوغ و تعالی حکمرانی امنیتی ولایی بردارند.
- مراکز علمی- پژوهشی با تألیف کتب و مقالات علمی، گفتمان‌سازی در خصوص مفهوم راهبردی حکمرانی امنیتی ولایی را در دستورکار قرار دهند.
- دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی با پیاده‌سازی حکمرانی امنیتی ولایی، ضمن رفع آسیب‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری تهدیدات، نقش مؤثری در ارتقای سازوکارهای امنیت‌سازی و افزایش ضریب امنیتی کشور ایفا نمایند.

منابع

الف - فارسی

- امام خامنه‌ای، سید علی (بدون تاریخ). *بیانات*. قابل دسترسی در: *Khamenei.ir*
- ابن‌منظور (۱۴۱۰). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۴). *اصول و مبانی مدیریت*. تهران: نشر پایدار.
- افتخاری، اصغر، و صدقی، ابوالفضل (۱۳۹۵). «گذار از علوم امنیتی سکولار به نظریه امنیت شریعتمدار»، *آفاق امنیت*، ۹ (۳)، ۳۴-۵.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۹). «تحول گفتمانی حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، ۲۳ (۴)، ۷-۴۸.
- رایبیز، استیفن (۱۳۸۴). *تئوری سازمان*. ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: نشر صفار.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- عسگری، محمود (۱۴۰۰). «واکاوی حکمرانی امنیتی برای مقابله با ناآرامی‌ها در ج.ا. ایران»، *آفاق امنیت*، ۱۴ (۴)، ۲۵۸-۲۳۱.
- عسگری، محمود و مهدیان، حسین (۱۳۹۹). *سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).
- عسگری، محمود (۱۴۰۱). «سناریوهای حکمرانی امنیتی در ج.ا. ایران در افق ۱۴۰۴»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۱۲ (۴۲)، ۱۲۷-۱۰۱.
- کلاتری، فتح‌الله، و خزلی، اکبر (۱۳۹۹). «نقش مؤلفه‌های قدرت ملی در تحقق متعالی حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *آفاق امنیت*، ۱۳ (۲)، ۵۳-۷۹.
- کونتز، هارولد و همکاران (۱۳۷۴). *اصول مدیریت*. ترجمه محمدعلی طوسی و دیگران، تهران: سازمان مدیریت دولتی.
- منصورآبادی، عباس، و جواد ریاحی (۱۳۹۱). «مفهوم‌شناسی مبانی در پژوهش‌های حقوقی»، *پژوهش‌های حقوقی*، ۱۱ (۲۲)، ۹-۲۴.

- یزدخواستی، بهجت، پناهی، محمدحسین، و مهری، کریم (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، *مطالعات قدرت نرم*، ۱۴ (۱۰)، ۷۵-۸۷.

ب- انگلیسی

- Bourne, L. (2014). "The six functions of governance", *PM World Journal*, 3 (2), PP 1-6.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. CA: Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), PP 77-101.
- Fukuyama, F. (2013). *What Is Governance?*. CGD Working Paper 314. Washington. DC: Center for Global Development. <http://www.cgdev.org>.
- Malik, M. (2017). *Foundations of Islamic Governance*. New York: Routledge.
- Schraad-Tischler, D. & Azahaf, N. (2014). *Policy Performance and Governance Capacities in the OECD and EU*. Bertelsmann Studies. UNSPECIFIED.

